

کشف تناسب اسماء الحسنی در غرض سور مفتوحه با واو سوگند در جزء سی ام قرآن کریم

فرزانه میرزا رسولی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۰

شهین ایزدی قهرمانی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۴

فاطمه علایی رحمانی***

چکیده

کشف تناسب میان آیات از موضوعات مهم در عرصه مطالعات علوم قرآنی است که در فهم مراد خداوند از نزول آیات و سور مؤثر است، به همین دلیل مفسران و دانشمندان علوم قرآنی از دیرباز به کشف این ارتباط اهتمام ورزیده‌اند. با این وجود ویژگی‌های خاص این موضوع و گستردگی دامنه این مبحث سبب شده، تبیین موضوع تناسب اسماء الحسنی هر سوره با محوریت غرض آن سوره با ابهاماتی مواجه شود. نوشتار حاضر این نوع از تناسب را در سور مفتوحه با واو سوگند در جزء سی ام قرآن کریم (النازعات، البروج، الطارق، الفجر، الشمس، اللیل، الضحی، التین، العادیات) مورد بررسی قرار داده است، ابتدا معنای لغوی اسماء ذکر شده در هر سوره بیان گردیده، سپس رابطه میان این اسماء با غرض اصلی آن سوره تبیین شده در نتیجه اسماء مذکور در هر سوره از سور مورد نظر و غرض آن هم‌راستا و متناسب هستند.

کلیدواژگان: تناسب، اسماء خداوند، غرض سوره، سور مفتوحه با واو سوگند.

مقدمه

قرآن در بیان موضوعات از اسلوب متعددی بهره می‌برد که در عین نزول تدریجی و پرداختن از یک موضوع به موضوع دیگر، پیوستگی بی نظیری در آن وجود دارد به گونه‌ای که این پیوستگی و تناسب در هر سوره‌ای از آن ظاهر است. با عنایت به آیات قرآن کریم نظیر ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد/۲۴) و توصیه سنت در گفتار پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَالتَّمَسُّوا عَرَابَتَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۶/۸۹). بر تدبر در معانی و مقاصد قرآن، از مسائلی که قابلیت تدبر و تأمل دارد تناسب غرض اصلی هر سوره با اسماء خداوند در همان سوره است. در حقیقت، یکی از اجزای متنی سوره‌های قرآن کریم اسماء الحسنی یا صفات نیکوی الهی هستند که در جای جای سوره-ها به ویژه در فواصل آیات می‌آیند. ذکر اسماء الحسنی در سوره‌ها کارکردهای متفاوتی دارد. یکی از این کارکردها ارتباط اسماء الحسنی موجود در هر سوره با غرض آن سوره است. هر سوره فی حد ذاته به منظور غرضی و برای تأمین آن نازل گردیده است و آن غرض معیار و عاملی برای گردآوری مجموعه‌ای از آیات در یک سوره و مجموعه‌ای دیگر در سوره دیگر است. از این رو، مسأله تناسب اسماء و صفات الهی هر سوره با غرض آن سوره مطرح می‌گردد، این پژوهش مسأله مذکور را به عنوان مصداق در سوره مفتوحه با واو سوگند در جزء سی‌ام قرآن کریم مورد و همچنین تناسب اسماء این مجموعه با یکدیگر را مورد اهتمام قرار داده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در مورد تناسب و ساختار هندسی سوره صورت گرفته است. از جمله پایان نامه «نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌ها با محوریت سوره براءت» به کوشش معصومه محبوب، «نقد و بررسی ساختار هندسی سوره‌ها با محوریت سوره محمد(ص)» با تحقیق فهیمه گرجی، همچنین کتاب «ساختار هندسی سوره‌های قرآن درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن» تألیف محمد خامه گر که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. در این کتاب یکی از راه‌های کشف غرض سوره را طریقه کاربرد اسماء الحسنی الهی برشمرده است و این مسأله را از باب مصداق به طور مختصر در برخی از سوره از جمله الکهف، مریم و الرحمن تبیین نموده است. تمرکز این مقاله تناسب اسماء الهی در سوره مفتوحه با واو سوگند است که در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور انجام نگردیده است.

مفهوم شناسی تناسب

تناسب از مفاهیم کاربردی در این پژوهش است که این واژه در لغت به معنای هم شکلی (فراهمی)، (۱۴۰۹ق: ۷۱/۷) و نزدیکی (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۷۵۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۴ق: ۱/ ۸۰) است و در اصطلاح علوم قرآن به معنای ارتباط میان موضوعات یک آیه و پیوند دو یا چند آیه با هم و ارتباط یک

سوره با سوره‌های دیگر است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۱/۱؛ نیز ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۲؛ مسلم، ۱۴۲۶ق: ۵۸).

سور حاوی واو سوگند در جزء سی قرآن کریم

در این بخش به منظور کشف و تبیین غرض سوره و تناسب آن‌ها با اسماء الهی هر یک از سوره‌های جزء سی که حاوی واو سوگند است مورد تبیین قرار می‌گیرد. ضمن آنکه اسماء الحسنی بکاررفته در آن‌ها تشریح می‌شود.

۱. سوره النازعات

سوره النازعات هفتاد و نهمین سوره بنا بر ترتیب قرآن کنونی است، جایگاه آن بنا بر ترتیب نزول هشتاد و یکمین سوره بعد از "النبأ" (رستگار جویباری، ۱۴۰۳ق: ۸/۵۲) و قبل از "الانفطار" (هاشم زاده هریسی، ۱۴۲۰ق: ۸۹) است. قرآن پژوهان این سوره را از جمله سور مکی به شمار آورده- اند (فیروزآبادی، بی تا: ۴۹۹/۱). اکثر مفسران "وقوع قیامت" را به عنوان محور اصلی سوره مطرح کرده- اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۸/۲۰؛ فیروزآبادی، بی تا: ۵۰۰/۱؛ زحیلی وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۸ق: ۳۱/۳۰؛ صابونی، ۱۴۲۱ق: ۵۶۶/۳). این سوره مشتمل بر پنج مرتبه لفظ "رب" (النازعات/ ۲۴، ۴۰، ۴۰) و یک مرتبه لفظ "الله" (النازعات/ ۲۵) است. از حیث لغوی معانی متعددی برای "رب" بیان گردیده است، از جمله:

- سوق دادن شیء در جهت کمال و رفع نقایص آن از طریق تخلیه (تهی سازی) و یا آذین بندی آن است و فرقی ندارد که در جهت ذاتی باشد یا عارضی، اعتقادی و معارف باشد یا صفات و اخلاقیات یا اعمال و آداب یا علوم متداول در انسان، حیوان یا نبات باشد در همه چیز بنا بر اقتضای آن منزلتش را بالا می‌برد و شأن آن را کامل می‌سازد (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۲/۴-۲۳-۲۴).

- به معنی تربیت و پرورش است به عبارتی ایجاد حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی، تمام و کمال آن برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۶).

- مالکی که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۱/۱).

- شخص بزرگی که فرمان او مطاع است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۹۵/۱).

وجه تسمیه خداوند متعال به "رب" بدان جهت است که او مصالح خلق خویش را فراهم می- آورد (غراب، بی تا: ۱۰۵).

در آیات ﴿إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ (النازعات/ ۱۶)، ﴿وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَحْشَى﴾ (النازعات/ ۱۹)، ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى﴾ (النازعات/ ۴۰) لفظ "رب" به صورت مضاف بر ضمیر به کار رفته است، هنگامی که "رب" به ذات مطلق بدون خصوصیت خاصی اضافه گردد غرض از آن تربیتی است که متعلق به همان ذات، به نحو ممکن و بنا بر اقتضای آن است (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۴۳).

ج ۲۴/۴) از این رو غرض از "رب" در این آیات تربیتی است که بر ذات انسان تعلق می‌گیرد. لذا خداوند متعال در جایگاه ربوبیت انسان و مسئول به کمال رساندن او، انسان را متذکر وقوع قیامت می‌سازد تا او با این علم، خود را برای چنین روزی آماده نماید و اسباب کمالش در آن روز فراهم آید.

"الله" اسم دیگر خداوند در سوره النازعات، آیه ﴿فَلَاخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى﴾ (النازعات/۲۵) است و دلالت بر ذاتی دارد که کلیه اسماء، صفات، کمالات و خیرات در آن جمع است، بدان جهت که صرف جمال و خیر محض است (ر.ک: محقق، ۱۳۷۲ ش: ۳۱/۱). امام صادق علیه السلام در معنای اسم «الله» فرموده‌اند: «اسْتَوَّلَى عَلَيَّ مَا دَقَّ وَجَلَّ» خداوند بر ریز و درشت موجودات محیط است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۲۱/۱). او مالک علی الاطلاق و محیط بر تمام موجودات است ﴿...يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا...﴾ (الحدید/۴) و هیچ عملی بدون اذن او انجام نپذیرد در صورتی که فیض و رحمت نامتناهی او از عالم قطع گردد همه چیز از میان خواهد رفت (ر.ک: ارفع، ۱۳۷۴ ش: ۱۷). بنابراین همان کسی که محیط و عالم به همه چیز است خبر از وقوع قیامت می‌دهد پس وقوع قیامت حق است و لفظ الله با غرض سوره متناسب و هم راستا است.

۲. سوره البروج

سوره البروج در ترتیب مصحف فعلی هشتاد و پنجمین سوره قرآن و در ترتیب نزول بیست و هفتمین (رامیار، ۱۳۶۹ ش: ۵۸۹) سوره و بعد از "الشمس" (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ ق: ۳۴۳/۷) و "الضحی" و قبل از "التین" (ابن عاشور، بی تا: ۲۱۲/۳۰) در مکه (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲۴۷/۲) نازل شده است.

غرض این سوره "تهدیدِ مشرکانِ شکنجه دهندگانِ موحدان" است (ر.ک: میرزا رسولی، ۱۳۹۵ ش: ۱۳۰) و هفت اسم الهی از جمله سه مرتبه الله و یک مرتبه اسماء عزیز، حمید، غفور، ودود، محیط و شهید در هفت وصف ترکیبی در سوره مطرح است.

اسم «عَزِيز» از حیث لغوی بر کسی دلالت دارد که در اثر نیرومندی، امرش غالب و جاری است و مقهور نمی‌گردد (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۶۳؛ جیلانی، بی تا: ۳۴؛ قشیری، ۱۴۲۲ ق: ۱۶۲). این اسم به طور مطلق و حقیقی به خداوند متعال اختصاص دارد و از آثار واجب الوجود قادر عالم حی مطلق است، موجودات مختلف بنا بر مراتبشان تحت عزت او هستند (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق: ۸ / ۱۳۹).

اسم "حمید" در رابطه با خداوند، توأم با اسماء عزیز، غنی، ولی، مجید و حکیم است بدان جهت که بر نفی صفات سلبیه مطلقه خداوند دلالت دارد. او کسی است که حمد او ثابت است و غنا، مجد، عزت، حکم و ولایت متعلق به اوست و در او ضعف، نقص، احتیاج و محکومیتی نیست (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق: ۳۲۸/۲). خداوند از آن رو حمید نامیده می‌شود که از جانب نفس خویش و زبان هر حامدی مورد حمد قرار می‌گیرد (ر.ک: غراب، بی تا: ۱۰۹) و مستحق حمد و ثنا بر زبان مؤمنان است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۱۲/۳۱). در ایمان به خداوند عزیز و حمید این پیام نهفته است که موحدان با عزیز دانستن

خدا و منحصر کردن قدرت برای او بر افسانه شکست ناپذیری ظالمان مهر باطل زده و بر عزت اوهامی و قدرت جباران پشت می‌کنند و عبادت و اطاعت را منحصر به خداوند حمید نموده و ثنای سردمداران و تملق قدرتمندان که طریق ترسویان زبون و ذلیل است را رها می‌کنند (ر.ک: بازگان، ۱۳۷۴ش: ۷۴/۴) و این دو صفت با غرض سوره متناسب هستند وجه تناسب دیگر آن‌ها عبارت است از خداوند غالبی است، شکست ناپذیر علی‌الاطلاق و در آنچه می‌کند به صورت علی‌الاطلاق جمیل است، لذا او به تنهایی همه جلال‌ها و جمال‌ها را دارا است و در برابر چنین خدایی باید خاضع شد و نباید معترض خشم او گردید (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۵۱-۲۵۲) و تعبیر "عزیز و حمید" را پاسخی به جنایت‌های جباران و دلیلی بر ضد آنان دانسته که حکم تهدید و هشدار نسبت به شکنجه‌گران در طول تاریخ به شمار می‌آید و این معنا را حمل می‌کند که خداوند عزیز و حمید در کمین آن‌ها است (ر.ک: همو، ۳۳۷/۲۶).

در توصیف ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (البروج/۹) شهادت مطلق خداوند متعال مطرح است که دال بر کمال علم و آگاهی خداوند دارد و عاملی به شمار می‌آید بر آنکه مؤمنان خداوند را در تمام صحنه‌ها به عنوان شاهد مطلق دانسته و شهود و حضور قدرتمندان را نادیده انگارند (ر.ک: بازگان، ۱۳۷۴ش: ۷۴-۷۵). خداوند بر هر چیزی شاهد و حاضر بوده دارای اطلاعات کامل نسبت به عمل بندگان است و به احسان هر محسن و بدی هر بدکار آگاه و به زودی آنان را جزا خواهد داد. این ویژگی خداوند همچنین بر وجوب ایمان مؤمنان به خداوند، شایستگی عبودیت و بر عدم معترض شدن جباران نسبت به آنان دلالت دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ش: ۲/۲۵۲) و به عنوان بشارت و اطمینان قلب مؤمنان و تهدیدی برای عصیان جباران به شمار می‌آید (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۶/۳۳۷؛ شاذلی، ۱۴۱۳ق: ۶/۳۸۷۴). علاوه بر تناسب هر کدام از اسماء "عزیز، حمید و شهید" با غرض سوره، در مجموع نیز با غرض سوره متناسب هستند به طوری که *فخر رازی* معتقد است: خداوند با خصلت عزیز قادر است در صورت تعلق اراده مانع عذاب مؤمنان از جانب جباران گردد، آتشی که برافروخته‌اند را خاموش نماید و آنان را هلاک سازد در عین حال خصلت حمید او به این سمت سوق می‌دهد که عاقبت امور نزد خداوند سبحان، شایسته است، هرچند او درنگ می‌نماید اما غفلت نمی‌کند و ثواب عمل مؤمنان را به آنان می‌رساند و کافران را به عاقبت امرشان دچار می‌نماید لکن خداوند نسبت به این امر عجله‌ای ندارد، بدان جهت که او بر حسب مشیت یا مصلحت بر طریق فضیلت عمل می‌کند، از این رو خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ لذا او وعده عظیم به مطیعین و وعید شدید به مجرمین می‌دهد (ر.ک: *فخر رازی*، ۱۴۲۰ق: ۱۱۲/۳۱).

در ترکیب ﴿فَعَالٌ لِّمَآئِرٍ﴾ (البروج/۱۶) اسم و صفت *فَعَالٌ* به معنای انجام دادن، عمل کردن و دلالت بر احداث و بوجود آوردن چیزی از عمل و غیر آن دارد (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۹/۱۲۶؛ محقق، ۱۳۷۲ش: ۲/۴۵۱). او هر چه بخواهد انجام می‌دهد و هیچ چیز قادر نیست که مانع اراده خداوند گردد، نه از داخل ذات خود، از جمله غلبه کسالت و خستگی بر او، یا تغییر اراده‌اش به اراده‌ای دیگر یا

انصراف او از اراده‌اش و نه از خارج امری مانع نفوذ اراده‌اش گردد(ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۴/۲۰؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۱۱/۱۰). این خصلت از لوازم حاکمیت مطلقه خداوند به شمار می‌آید و دال بر قدرت خداوند بر مسأله معاد، کیفی و مجازات جباران و شکنجه گران دارد(ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۳۴۸/۲۵). بنابراین این توصیف نیز به عنوان تهدیدی برای مشرکان شکنجه دهندگان مؤمنان به شمار آمده و متناسب با غرض سوره است.

توصیف ﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾ (البروج/۲۰) محیط بودن خداوند دال بر احاطه و تسلط همه جانبه او بر همه چیز است و متضمن این معنا است که اگر مشرکان خود را مسلط بر جان و مال مردم می‌دانند، از این امر غافل‌اند که خداوند بر آنان محیط است(ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۱۱/۱۰؛ بازرگان، ۱۳۷۴ش: ۷۶/۴). برخی نیز آن را تعبیر به احاطه علمی نموده‌اند و "أحاط علم فلان بكذا" بدین معنا دانسته‌اند که هرگز از آن فاصله‌ای ندارد(کفعمی، بی تا: ۷۲/۱). احاطه علمی خداوند به اعمال در جمیع جهات است به صورتی که هیچ گفتار، کردار و نیات آن‌ها از او ستر نیست(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۳۵۳/۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۱۱/۱۰؛ ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۶۵۳/۵). یکی از وجوه این توصیف اقتدار خداوند متعال بر جباران به شمار آمده که در قبضه و حوزه آن قرار دارند و او قادر است آنان را به سبب تکذیب، مورد عقاب قرار دهد(ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۶/۳۱). بنابراین محیط بودن خداوند بر انسان، عدم توانایی گریز مشرکان از عذاب الهی و عاقبت شومشان را بیان می‌کند که با غرض سوره متناسب است.

۳. سوره الطارق

سوره الطارق هشتاد و ششمین سوره در ترتیب فعلی قرآن است. جایگاه آن در ترتیب نزول سی و ششمین سوره(رامیار، ۱۳۶۹ش: ۵۸۹). بعد از سوره "البلد" و پیش از "الانشقاق" (ابن عاشور، بی تا: ۲۲۹/۳۰) به شمار می‌آید. صاحب «المیزان» "معاد" را به عنوان غرض اصلی سوره بیان کرده و اظهار داشته است: «سوره با نقض آنچه که مشرکان انتقال می‌دادند مردم را به معاد انداز می‌دهد، و با اطلاق قدرت به خداوند متعال آن را مستدل کرده و مورد تأکید قرار داده و به حقیقت آن روز اشاره می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸/۲۰). برخی از مفسران نیز هم‌نظر با صاحب «المیزان» هستند(قرشی، ۱۳۷۷ش: ۱۷۲/۱۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۲۹/۳۰).

سوره الطارق با غرض "اثبات معاد" خداوند را با دو اسم "قادر و کید" مورد توصیف قرار داده است. /امام صادق(ع) در رابطه با اسم "قادر" خداوند متعال فرموده است: «قادر بودن خداوند خبر از آن است که چیزی او را درمانده نکند و این کلمه عجز را از او نفی و جدا نماید»(کلینی، ۱۳۶۹ش: ۳۳۷/۱). دیگر ویژگی خداوند در سوره الطارق "کید" است، نوعی از حيله‌گری و چاره جوئی است که در دو معنی مذموم و ممدوح استعمال می‌گردد هر چند که مذموم آن متداول است(ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۲۸). کید از جانب خداوند متعال تدبیری بر وفق تقدیر تام و ثابت اوست و در قبال کید

کافران و خائنان است که پس از کید آنان واقع می‌گردد و متمم نظام اصلح برای عالم است و مانع حدوث اختلال در آن می‌گردد. کید خائنان بر خلاف نظام الهی و اراده پروردگار است لذا رستگار نمی‌گردند و کیدشان نه نیاز آنان را رفع و نه یاریشان می‌نماید (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۶۰/۱۰- ۱۶۱-۱۶۲). در وجه کید خداوند در آیه ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۳/۳۱؛ نیز ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۳۷۶/۲۶) برخی بر این عقیده‌اند که: خداوند متعال به کافران در کفرشان مهلت می‌دهد تا غرق در آن شوند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۴/۲۶) و آنان را به دشمنی با سعادت خود وامی‌دارد و سنت استدراج را بر آنان جاری می‌گرداند، از طریق کثرت در مال و اولاد، زدن مهر بر دل‌های آنان و افکندن پرده بر گوش و چشمان کافران، اینچنین حيله می‌کند تا در نهایت دچار عذاب روز قیامت گردند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۶۱/۲۰). قادریت خداوند متعال هرگونه عجز و ناتوانایی را در عدم وقوع معاد از او سلب نموده و وقوع قیامت را تأیید می‌کند. کید خداوند متمم نظام اصلح است از این رو کید او نیز اقتضای وقوع قیامت را در بر دارد تا کافران که به کید الهی دچار سنت استدراج گردیده‌اند در آن روز به سوی عذاب اخروی رانده شوند لذا قادر و اعلی که این سوره خداوند متعال را بدان‌ها توصیف نموده با غرض سوره متناسب-اثبات معاد- متناسب هستند.

۴.سوره الفجر

سوره الفجر هشتاد و نهمین سوره در ترتیب مصحف کنونی است. جایگاه آن در ترتیب نزول دهمین سوره (جوبیاری، ۱۳۶۴ش: ۹/۵۶) که بعد از " اللیل " و پیش از " الضحی " در مکه نازل گردیده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۵۸/۴). غرض اصلی سوره تبیین مسأله " امتحان الهی از طریق غنا و فقر " است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۸/۲۰؛ صابونی، ۱۴۲۱ق: ۵۲۸/۳؛ قرشی، ۱۳۷۷ش: ۲۰۸/۱۲). تنها اسم خداوند متعال در سوره الفجر که شش مرتبه تکرار گردیده " رب " است (الفجر/۱۳-۱۴- ۱۵-۲۲-۲۸). تناسب میان این اسم با توجه به معنای لغوی آن- سوق دادن شیء در جهت کمال و رفع نقایص- و غرض سوره " امتحان الهی از طریق غنا و فقر " از آن رو است که: خداوند متعال متناسب با مقام ربوبی خویش با آزمودن انسان از طریق فقر و غنا اسباب حرکت او به سوی کمال را فراهم می‌سازد.

۵.سوره الشمس

سوره الشمس نود و یکمین سوره در ترتیب مصحف کنونی است. جایگاه آن در ترتیب نزول بیست و ششمین (رامیار، ۱۳۶۹ش: ۵۹۰). سوره‌ای که بعد از " القدر " و پیش از " البروج " نازل گردیده و از سور مکی به شمار می‌آید (هاشم زاده هریسی، ۱۴۲۰ق: ۸۹). خداوند متعال در این سوره در پی بیان " حقیقت نفس انسانی و استعدادهای فطری او " است (سید قطب، ۱۴۱۳ق: ۳۹۱۵/۶) و برای تبیین

غرض خود دو مرتبه اسم جلاله "الله" در آیه ﴿فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾ (الشمس/۱۳) و یک مرتبه اسم "رب" در آیه ﴿...فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا﴾ (الشمس/۱۴) مطرح نموده است. در تناسب این اسما با غرض سوره می توان گفت: با عنایت بر مالکیت مطلق خداوند متعال و احاطه او بر کل عالم هستی که در معنای لغوی الله نهفته، او بر حقیقت نفس انسان و نیز استعدادهای فطری او محیط است و بنا بر لازمه مقام ربوبی الهی، خداوند این معرفت را به عنوان اسباب و لوازم حرکت انسان در مسیر کمال در اختیار او قرار می دهد تا زمینه رشد و کمال انسان فراهم گردد.

۶.سوره اللیل

سوره اللیل نود و دومین سوره در ترتیب قرآن فعلی است. جایگاه آن در ترتیب نزول نهمین سوره پیش از "الفجر" و بعد از "الأعلى" است (هاشم زاده هریسی، ۱۴۲۰ش: ۸۹؛ رامیار، ۱۳۶۹ش: ۵۹۰). این سوره غرض "تقسیم مردم و عاقبت آنان به دو گروه" را دنبال می کند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۸/۱۴۶). اسماء الهی در آیه ﴿إِلَّا إِلَهًا وَجْهَ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾ (اللیل/۲۰) علاوه بر مقام ربوبی الهی به مقام اعلای او نیز اشاره دارد.

أَعْلَى اسم تفضیل از "علو" به معنای شریفتر و برتر (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۸۳)، علو مرتبه، رفعت و قدرت تامه است به عبارتی خداوند عالی، بلند مرتبه و مافوق تصور مخلوقات بوده (ر.ک: ارفع، ۱۳۷۴ش: ۷۳) و هیچ مقام و رتبه ای مافوق او وجود ندارد (ر.ک: جیلانی، بی تا: ۶۷) لذا خداوند بنا بر اقتضای مقام ربوبی و به کمال رساندن انسان، در سوره اللیل خداوند به تفکیک مردم به دو گروه بنا بر ویژگی های رفتاری آنان نموده و سرانجام هر کدام را متذکر می گردد، می فرماید: «اعمال شما متفرق و گوناگون است، اما آن که انفاق کند و پرهیزگار باشد، و پاداش نیک روز جزا را قبول داشته باشد، به زودی راه انجام کارهای نیک را برایش آسان می سازیم، و اما کسی که بخل ورزد و طالب ثروت و غنا باشد و پاداش نیک روز جزا را تکذیب کند اعمال نیک را در نظرش سنگین و دشوار می نمایم».

﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۖ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ فَسَنِيْرَهُ لِلسُّرَىٰ ۖ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۖ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ فَسَنِيْرَهُ لِّلْعُثْرَىٰ﴾ (اللیل/۴-۱۰)

و اینچنین تقسیم بندی به قصد فراهم شدن اسباب رشد و کمال انسان مطرح گردیده است تا اسباب رشد و کمال انسان را فراهم آورد. به دنبال آن با توصیف خداوند به "اعلی" مقام و قدرت تامه الهی بر فاعلیت هر امری که اراده نماید را متذکر می شود. از این رو تناسب اسماء الحسنای این سوره با غرض آن "تقسیم مردم و عاقبت آنان به دو گروه" واضح می گردد.

۷.سوره الضحی

سوره الضحی نود و سومین سوره بنا بر ترتیب قرآن کنونی و در ترتیب نزول یازدهمین سوره به شمار می آید به عبارتی بعد از سوره "الفجر" و قبل از سوره "الانشراح" نازل گردیده است (قرشی،

۱۳۷۷ش: ۲۵۸/۱۲). بسیاری از مفسران تمام آیات سوره الضحی را مکی به شمار آورده‌اند (طوسی، بی تا: ۳۰۹/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۲/۱) اما علامه طباطبایی هم احتمال مکی و هم احتمال مدنی بودن آن را داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۰۹/۲۰). در این سوره خداوند متعال سه مرتبه با اسم "رب" (الضحی / ۳-۵-۱۱) توصیف شده است. بسیاری از مفسران غرض این سوره را ایجاد "مسرت، تسلیت و اطمینان رسول اکرم صلی الله علیه و آله" برشمرده‌اند (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳: ۵۴۹/۱؛ سید قطب، ۱۴۱۳ق: ۳۹۲۵/۶). برای تبیین تناسب اسم رب و غرض سوره، علاوه بر توجه به معنای لغوی "رب" ایجاد حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی، تمام و کمال آن برسد لازم است به شرایط پیش از نزول سوره الضحی نیز توجه گردد که مدت زمانی در نزول وحی تأخیر افتاده بود و در این فاصله مشرکین به علت تأخیر در وحی شایعات کاذبی را اشاعه داده و بر رسول اکرم (ص) نیش زبان می‌زدند (ر.ک: دروزه، ۱۳۸۳ش: ۵۴۹؛ سید قطب، ۱۴۱۳ق: ۳۹۲۵/۶؛ حجازی، ۱۴۱۳ق: ۸۷۳/۳؛ طنطاوی، بی تا: ۴۲۵/۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۰۲/۲۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۵۱۴/۱۰). خداوند متعال به قصد تذکر و تبیین مقام ربوبی خود نسبت به رسول اکرم (ص) سوره الضحی را نازل نمود تا زمینه اطمینان و تسلی خاطر ایشان را فراهم آورد.

۸. سوره التین

سوره التین نود و پنجمین سوره بنا بر ترتیب قرآن کنونی و در ترتیب نزول بیست و هشتمین سوره بعد از "البروج" و قبل از "القريش" به شمار می‌آید (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۲۵۸/۱۲) در رابطه با مکی یا مدنی بودن سوره دو نظریه بیان شده است:

- عده‌ای از قرآن پژوهان تمام آیات سوره را مکی به شمار می‌آورند (بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۴/۴).

- برخی نیز با توجه به مقیاس‌های مکی و مدنی هم احتمال مکی و هم احتمال مدنی بودن آن را داده‌اند و به قطع مشخص ننموده‌اند (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۲۵۸/۱۲).

این سوره به دنبال بیان "حسن خلقت انسان، تکامل و انحطاط او" بوده و دربردارنده دو اسم "الله و احکم الحاکمین" است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۲/۳۰).

ترکیب «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» اسم تفضیل از حکم، یحکم است که تنها در دو آیه قرآن آمده است در آیه ﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ... وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ (هود/۴۵) و آیه ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ (التین/۸) بیان گردیده است (ر.ک: محقق، ۱۳۷۲ش: ۳۳۴/۱) از حیث لغوی به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۵/۱) و حکم در اصل منع از ظلم و ستم است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۹۱؛ فخر رازی، بی تا: ۲۴۰). از طرفی بر موضوعی حمل و الحاق می‌گردد که امر و نهی توسط آن صورت پذیرد، زمانی که امری را فیصله دهند و بدان یقین حاصل گردد. اسم فاعل آن حاکم به کسی اطلاق می‌گردد که حکم از او صادر می‌شود در حالی که حکم برای او ثابت است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲/۳۰۹-۳۱۰؛ ر.ک: جیلانی، بی تا: ۷۸). چنین کسی در خلق اشیاء دقیق است بدین معنا که سخت

اتقان تدبیر خود را متوجه آن نموده است. این معنا در رابطه با خلقت میمون، خوک و سایر حیوانات صادق نیست و معطوف به حسن تدبیر در ایجاد هر مخلوقی از مخلوقات خداوند است که اشتیاق تجلی آن را دارد تا آن را بر هیأتی که اراده نموده، عرضه نماید (ر.ک: بیهقی، ۱۴۱۷ق: ۱/۴۷). مغنیه بر این عقیده است که تفسیر آیه «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» بر خلقت انسان از حیث صنع و تدبیر متبحرانه دلالت دارد (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۵۸۴).

از این رو وجه تناسب اسماء مذکور با غرض سوره تین - حسن خلقت انسان، تکامل و انحطاط - او عبارت است از خداوند متعال با اسم اعظم الله - مالک علی الاطلاق و محیط بر تمام موجودات - وقتی فیض و رحمت خویش را از انسان کافر قطع نماید، سبب انحطاط و واقع شدن او در پست‌ترین مراحل می‌گردد و با افاضه رحمت خویش بر مؤمنان، اسباب کمال آنان را فراهم می‌آورد. توصیف خداوند به احکم الحاکمین او را به عنوان صادرکننده حکم و عادل‌ترین حاکم معرفی می‌نماید. از این رو انسان‌ها را بنا بر مسیر منتخب در زندگی، مورد حکم خویش قرار داده، در صورت کفر آنان را به پست‌ترین درجات سوق می‌دهد و در صورت ایمان و عمل صالح آنان را از اجری بی‌منت و همیشگی برخوردار می‌سازد. از این رو خداوند در این سوره به عنوان احکم الحاکمین توصیف گردیده است، که این ویژگی بر حسن خلقت انسان نیز دلالت دارد.

۹. سوره العادیات

سوره العادیات صدمین سوره بنا بر ترتیب قرآن کنونی است. جایگاه آن در ترتیب نزول چهاردهمین سوره، بعد از "العصر" و قبل از "الکوثر" (ر.ک: رستگار جویباری، ۱۳۶۴ش: ۱۱۳/۵۸؛ هریسی، ۱۴۲۰ق: ۸۹) به شمار می‌آید. در رابطه با مکی یا مدنی بودن سوره دو نظریه وجود دارد: - بسیاری از مفسران تمام آیات سوره العادیات را مکی به شمار آورده‌اند (ر.ک: رستگار جویباری، ۱۳۶۴ش: ۱۱۳/۵۸). *بازرگان* سوره را مکی به شمار می‌آورد با استناد به شکل ظاهری و قافیه دار بودن آیات سوره، آغاز شدن آن با سوگند، طول متوسط و آهنگ آیات آن که شباهت تامی با آیات نازل شده در مکه و اولین سال‌های بعثت دارد.

- برخی به نقل از *ابن عباس* و *قتاده* آن را مدنی به شمار آورده‌اند (ر.ک: طوسی، بی تا: ۱۰/۳۹۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۴/۴۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۳۴۵). صاحب «المیزان» در رابطه با مدنی بودن سوره معتقد است: «با عنایت به این امر که یکی از سوگندهای نخستین سوره آیه ﴿وَالْعَادِيَاتِ صَبِيحًا﴾ (العادیات/۱) است و ظاهرش دلالت بر اسبان سربازان و مجاهدین در جنگ دارد و جنگ‌های اسلامی در مدینه رخ داده و اصولاً مسأله جهاد بعد از هجرت تشریح گردیده است. روایاتی هم که از طرق شیعه از ائمه علیهم السلام رسیده، آمده است که این سوره درباره *علی علیه السلام* نازل شده، زمانی که به غزوه ذات السلاسل رفته بود. و برخی از روایات وارده از طرق اهل سنت نیز مؤید این مسأله است». سوره در پی توصیف "سرشت انسان بر کفران نعمت" نسبت به خداوند متعال است که ناسپاسی انسان

از دو وجه کلام و عمل مورد لعن واقع شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۶/۲۰). در این سوره خداوند متعال با دو اسم رب و خبیر توصیف شده است در آیات ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ (العادیات/ ۶) و ﴿إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ (العادیات/ ۱۱) "به خداوند متعال نسبت داده شده است و سوره سرشت انسان را بر کفران نعمت معرفی می‌کند که به عنوان غرض آن به شمار می‌آید.

از جمله معانی خبیر از ریشه "خبر" عبارت است از اطلاع نافذ و علم از طریق تحقیق و احاطه و دقت (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۵) و نیز به معنای عالم به اعمال بندگان، عالم به باطن امور، مخبر و خبردهنده (راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۷۳). این صفت در اطلاق به خداوند متعال بر این معنا دلالت دارد که او عالم به حقایق افعال، اعمال، صنع و اسرار نفوس در دنیا و آخرت است و هیچ امری از او پوشیده نیست (مصطفوی، ۱۴۱۳ق: ۱۵). این اسم در کلام خداوند عزیر با سه اسم حکمت، لطف و علم مقارن بوده و با آن‌ها تناسب معنایی دارد، حکمت به معنای تدبیر و تحقیق و لطف به معنای نفوذ است (ر.ک: همو: ۱۶؛ حمود، ۱۴۲۶ق: ۱۱۵). لذا خداوند خبیر با علم به ظاهر، باطن و صنع انسان، احاطه کامل بر ویژگی‌های فطری او نیز دارد و بنا بر اقتضای مقام ربوبی خویش - سوق دادن شیء در جهت کمال - انسان را با یکی دیگر از خصایص فطری خویش که کفران نعمت است آگاه و زمینه رشد و کمال را برای او سهل می‌نماید. از این رو تناسب میان غرض سوره با اسماء الحسنای مذکور در آن مشاهده می‌گردد.

هماهنگی سور مفتوحه با "واو" سوگند در غرض

غرض سوره النازعات "وقوع قیامت" از این قابلیت برخوردار است که به عنوان غرض کلی مجموعه سور مفتوحه با "واو" سوگند به شمار آید بدان جهت که سایر اغراض این سور به عنوان زیرمجموعه در جهت تأمین آن ساری و جاری و با آن متناسب هستند، شرح این تناسب عبارت است از:

- معرفت نسبت به خویش: سوره الشمس با معرفی "حقیقت نفس انسانی و استعدادهای فطری او" و سوره عادیات با بیان "سرشت انسان بر کفر" انسان را نسبت به فطرت و سرشت خود آگاه می‌نماید. در سوره التین "حسن خلقت انسان" به عنوان نعمتی که بر او افاضه گردیده، مطرح شده است تا منتی بر او باشد و او خود را در قبال چنین نعمتی مسئول بداند. این سوره با ایجاد آگاهی انسان نسبت به خویشتن زمینه‌های حرکت او در مسیر کمال و آمادگی برای قیامت را فراهم می‌آورد.

- تأکید بر وقوع قیامت: سوره الطارق با غرض "اثبات معاد" وقوع قیامت را مورد تأکید قرار می‌دهد تا هرگونه شبهه، ابهام و شک و تردید را از رخداد چنین واقعه‌ای بزدايد.

- معرفت نسبت به زندگی دنیوی: سوره الفجر با غرض "امتحان الهی از طریق غنا و فقر" از عوامل مؤثر در عاقبت اخروی انسان، امتحان او در زندگی دنیوی از طریق فقر و غنا معرفی می‌کند و در سوره الليل انسان‌ها را بنا بر افعال، جهد و کوششان در دنیا به دو گروه تقسیم می‌کند تا بدین طریق او نسبت به افعال خویش و عاقبت آن دقت لازم را معطوف داشته، و از این دو کلید به عنوان نقشه راه در

مسیر زندگی دنیوی استفاده نماید و آگاهانه سیر تکاملی خویش را بیپیماید و سرنوشت اخروی خویش را رقم زند.

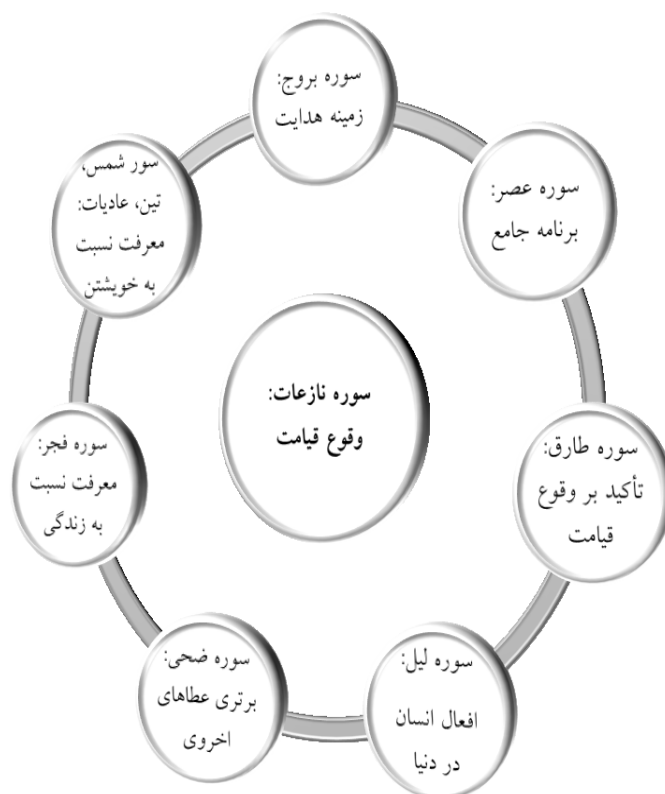
- زمینه هدایت: در سوره بروج با "تهدیدِ مشرکانِ شکنجه دهندگانِ موحدان" زمینه رشد و هدایت انسان‌ها را در هر مرتبه‌ای فراهم می‌آورد، مجرمان را از طریق ایجاد خوف و هراس در آنان از عاقبت اعمال خویش و موحدان را با دعوت به ثبات و صعود به مراتب بالاتر فرامی‌خواند تا برای واقعه قیامت آماده گردند.

- برتری عطا‌های اخروی: سوره ضحی با غرض "مسرت، تسلیت و اطمینان رسول اکرم(ص) آنچه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این دنیا عطا نموده را متذکر شده و به دنبال آن به عطایای ایشان در آخرت اشاره می‌نماید که قابلیت مقایسه با عطا‌های دنیوی را ندارد.

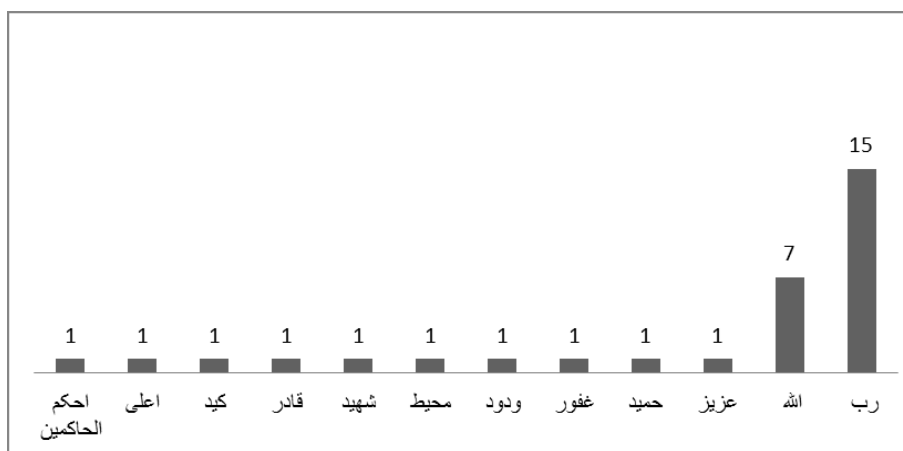
- برنامه جامع: سوره عصر برنامه جامع و کاملی را برای سیر تکامل انسان و سعادت او را در قیامت و آخرت ارائه می‌دهد.

با وجود مناسبت میان اغراض سور البروج، الطارق، الفجر، الشمس، الليل، الضحی، التین و العادیات، با غرض سوره النازعات و وجود تناسب میان غرض هر یک از این سور با اسماء الهی مذکور در همان سوره این نتیجه حاصل می‌گردد که اسماء ذکر شده در سور البروج، الطارق، الفجر، الشمس، الليل، الضحی، التین و العادیات با غرض سوره النازعات به عنوان غرض کلی مجموعه نیز متناسب است.

نمودار تناسب مجموعه مفتوحه با "واو" سوگند(در جزء سی ام)



نمودار فراوانی اسماء الهی در سور مفتوحه با "واو" سوگند(در جزء سی ام)



با توجه به نمودار فراوانی، اسم "رب" در این سوره از بالاترین آمار برخوردار است که با در نظر گرفتن بیان "وقوع قیامت" به عنوان غرض کلی مجموعه این سوره، مقام ربوبی الهی به عنوان مقام پرورش دهنده از طریق افزودن یا کاستن صفات و اخلاقیات به عبارتی ایجاد حالتی پس از حالت دیگر، انسان را در مسیر کمال قرار می‌دهد تا او را برای رخدادهای عظیم قیامت آماده نماید.

"الله" دومین اسم از حیث فراوانی به شمار می‌آید، "الله" ذاتی است که کلیه اسماء صفات، کمالات و خیرات را در بر دارد و صرف جمال و خیر محض است. در عین حال مالک علی الاطلاق و محیط بر تمام موجودات است و هیچ عملی نیست مگر آنکه به اذن او صورت می‌پذیرد. از این رو در این سوره چنین ذاتی از رویداد قیامت خبر می‌دهد که دال بر صدق خبر و رخدادهای حتمی قیامت است.

نتیجه بحث

با عنایت به تحقیق صورت گرفته این نتیجه حاصل گردید که اسماء الهی ذکر گردیده در هر سوره از سوره مفتوحه با واو سوگند (جزء سی ام قرآن کریم) متناسب با غرض همان سوره است و دلالت بر بافت منسجم و پیوسته کلیه مطالب مطرح شده در یک سوره دارد و این نوع از تناسب هرچند که در تعدادی از سوره قرآن به عنوان مصداق مورد بررسی واقع گردید. در عین حال وجود چنین تناسبی را در سایر سوره قرآن به اثبات می‌رساند و بر اعجاز قرآن دلالت دارد. امر دیگر حاصل از این پژوهش تناسب اسماء هر یک از سوره با غرض سوره نازعات- وقوع قیامت- به عنوان هسته مجموعه سوره است که این مطلب دلالت بر انسجام و پیوستگی بی نظیر قرآن دارد و دال بر الهی بودن مطالب این کتاب ارزشمند دارد چراکه پدید آوردن این چنین کتاب منسجم از عهده انسان ناتوان خارج است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عاشور محمد بن طاهر. بی تا، **التحریر والتنویر**، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه التاریخ. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- ارفع، سید کاظم. ۱۳۷۴ش، **اسماء الحسنی**، بی جا: انتشارات فیض کاشانی.
- بازرگان، عبدالعلی. ۱۳۷۴ش، **نظم القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات قلم.
- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. ۱۴۱۵ق، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیهقی، ابوبکر. ۱۴۱۷ق، **الأسماء والصفات**، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت: دار الجیل.
- جیلانی، عبدالقادر. بی تا، **منظومة الأسماء الحسنی**، محقق: محمد عبدالرحیم، بیروت: مؤسسه کتاب الثقافیة.
- حجازی، محمد محمود. ۱۴۱۳ق، **التفسیر الواضح**، چاپ دهم، بیروت: دار الجیل الجدید.
- حمود، خضر موسی محمد. ۱۴۲۶ق، **اسماء الله الحسنی المعنی والدلالة**، بیروت: عالم الکتب.
- دروزه، محمد عزت. ۱۳۸۳ق، **التفسیر الحدیث**، چاپ دوم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم.
- رامیار، محمود. ۱۳۶۹ش، **تاریخ قرآن**، تهران: امیرکبیر.
- رستگار جوبیاری، یعسوب الدین. ۱۳۶۴ش، **تفسیر البصائر**، قم: بی جا.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. ۱۴۱۸ق، **التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج**، بیروت- دمشق: دار الفکر المعاصر.
- زرکشی، بدرالدین. ۱۴۱۰ق، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر. بی تا، **اسماء الثلاثة الاله، الرب والعبادة**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۰۶ق، **الجدید فی تفسیر القرآن المجید**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. ۱۴۲۱ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب العربی.
- شاذلی، سید قطب. ۱۴۱۳ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت- قاهره: دار الشروق.
- صابونی، محمد علی. ۱۴۲۱ق، **صفوة التفاسیر تفسیر للقرآن الکریم**، بیروت: دار الفکر.
- صدر الدین قونیوی، محمد بن اسحاق. ۱۴۲۲ق، **شرح اسماء الله الحسنی**، تنظیم قاسم تهرانی، بیروت: دار ومکتبة الهلال.

- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طنطاوی، سید محمد. بی تا، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، **کتاب التفسیر**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- غراب، محمود محمود. بی تا، **الفقه عند الإمام الأكبر محی الدین بن عربی**، دمشق: دار الکتاب العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. بی تا، **شرح اسماء الحسنی (لوامع البینات)**، قاهره: مکتبه کلیات الازهریه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، **العین**، قم: دار الهجره.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. بی تا، **بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز**، بی جا: بی نا.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **احسن الحدیث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن. ۱۴۲۲ق، **شرح اسماء الله الحسنی**، قاهره: دار الحرم للتراث.
- کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی. بی تا، **مقام الأسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی**، تحقیق: فارس تبریزیان، بی جا: مؤسسه قائم آل محمد (عج).
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۹ش، **أصول الکافی**، ترجمه مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق، محمدباقر. ۱۳۷۲ش، **اسماء و صفات الهی در قرآن**، تهران: انتشارات اسلامی.
- مدرسی، سید محمد تقی. ۱۴۱۹ق، **من هدی القرآن**، تهران: دار محبی الحسین.
- مسلم، مصطفی. ۱۴۲۶ق، **مباحث فی التفسیر الموضوعی**، چاپ چهارم، دمشق: دار القلم.
- مصطفوی، حسن. ۱۴۳۰ق، **تحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کشف تناسب اسماء الحسنی در غرض سور مفتوحه با واو سوگند در جزء سیام قرآن کریم/ ۱۰۵

هاشم زاده هریسی، هاشم. ۱۴۲۰ق، شناخت سوره‌های قرآن، تهران: بی نا.

Discovering the Proportion of Names of God in the Purpose of the Surahs Begin with Oath واو in Part 30 of Holy Quran

Farzaneh Mirza Rasouli: MA, Al Zahra University

Shahin Izadi Ghahremani: Assistant Professor, Al Zahra University

Fatemeh Alaei Rahmani: Associate Professor, Al Zahra University

Abstract

Discovering the relevance of verses is one of the important issues in the field of studying Quranic sciences which is effective in understanding God's intention for the revelation of verses and Surahs; that's why interpreters and scholars of Quranic sciences have been trying to discover this connection for a long time. However, the special features of this issue and the broadness of the scope of this issue have caused the explanation of the appropriateness of the names of God each surah to be central to the purpose of that surah. The present article studies the mentioned kind of proportionality in Surahs begin with oath واو in the 30th part of Holy Quran (Al-Naza'at, Al-Buruj, Al-Tariq, Al-Fajr, Al-Shams, Al-Layl, Al-Dhahi, Al-Tin, Al-Adiyat); it initially states lexical meaning of mentioned names in each Surah and then the relationship between these names by the main purpose of that surah is explained,

Keywords: proportion, names of God, Surah's purpose, Surahs begin with oath واو.